

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷

هفته شکل گرفت و طی آن صدها هزار نفر در میتینگهای موافق و مخالف قانون اساسی شرکت کردند و بحثهای تلویزیونی که توجه میلیونها نفر را جلب



کرد، میسر گشت.

با شکست در رفراندوم، طبقه برتر و حاکمه فرانسه با از هم گسیختگی سیاست داخلی و خارجی مواجه شد. دست رد فرانسویها به سینه قانون اساسی اتحادیه اروپایی، بزرگترین شکست شخصی و سیاسی شیراک طی ۱۰ سال گذشته یعنی، از هنگام به قدرت رسیدن او نیز محسوب می شود. شیراک، استعفای نخست وزیر این کشور، ژان پیر رافین را می پذیرد و متحد خود دومینیک ویلپین را به جای او منصوب می کند. او از دبیر کل UMP (اتحاد برای جنبش همگانی)، نیکولا سارکزی که بدترین رقیب حزبی اش بود نیز فاصله می گیرد اما این جابجاییها تاثیری بر بحران ایجاد شده نخواهد داشت.

با همه این احوال، بازنده اصلی این انتخابات نه شیراک است و نه UMP بلکه، حزب سوسیالیست است که به گونه عمیقی پیرامون این موضوع شکاف پیدا کرد. این حزب بطور رسمی رای "آری" داد اما برخی از چهره های سرشناس در رهبری حزب، رای "نه" دادند. در میان اعضا نیز ۶۰ درصد رای مخالف دادند که احتمال انشعاب در این حزب را پیش رو نهاد.

از سوی دیگر، سه روز پس از رای "نه" فرانسویها، مردم هلند نیز بنابه دلایلی که به جامعه خود ارتباط داشت، به قانون اساسی مذکور پاسخ "نه" دادند. جالب توجه آنکه تصمیم برگزاری یا عدم برگزاری رفراندوم به پارلمان این کشور واگذار شده بود که برخلاف خواست دو حزب بزرگ دولتی، CDA و VVD، به برگزاری آن رای داد. با این حال، همه احزاب متعهد گشتند که به نتیجه آن در صورتیکه بیش از ۳۰ درصد از رای دهندگان به پای صندوق

بیایند، سرنهند. در روز همه پرسی، ۶۳ درصد به پای صندوق رای رفتند.

کشور هلند مانند دیگر کشورهای اروپایی، دچار بحران سخت اقتصادی است. واکنش دولت به این معضل، پایین آوردن مالیات برای سرمایه داریهای بزرگ و کاهش دستمزدها و مزایای خدماتی برای کارورزان بوده است. برای مثال، در همان حال که کمپانی نفتی شل رکورد سود خود را شکست، استانداردهای معیشتی مردم عادی تقلیل یافته است و بیکاری همچنان سیر صعودی می پیماید.

هراس از این که قانون اساسی اروپایی به همان اندازه که قوانین این کشور لیبرال است نباشد، از جمله نگرانیهای جناح چپ مخالفان این قانون بود. همزمان، برای مردم رای "نه" به معنی دادن رای منفی به دولتی است که به تهاجم علیه منافع شهروندان دست زده و همچنین از جنگ آمریکا علیه عراق نیز پشتیبانی کرده است. از سوی دیگر، مردم از رفرمهای بیشتر در بازار آزاد نیز احساس خطر می کردند و این وزنه ی سنگین تری از فراخوان "نه" برخی از احزاب داشت که مخالفت آنان با قانون اساسی اروپا، بیشتر روی حاکمیت ملی متمرکز شده بود تا موضوعات مورد توجه مردم.

عضویت ترکیه در اروپا، مساله مهاجرت، گسترش اتحادیه و خطرات ناشی از آن برای اشتغال، افزایش بیکاران، یورو و افزایش قیمت های ناشی از آن، وخامت وضعیت بهداشت عمومی و آموزش و عدم امنیت نیز از جمله مواردی بودند که به غیر از قانون اساسی اتحادیه اروپایی در رای مخالف مردم اثر می گذاشتند. رای "نه" هلندیها نه تنها به اتحاد راست دولت ژان پیتربالکننده بلکه همزمان به احزاب مخالف که به دادن رای مثبت به این قانون فراخوان داده بودند نیز بود.

بدین ترتیب، شکاف عمیقی هم احزاب را از رای دهندگان آنها و هم جنبشهای اجتماعی را از اعضایشان جدا می کرد. طبق یک نظرسنجی در ماه گذشته، مراکز اصلی سندیکیایی، جنبش صلح، انجمنهای حقوق بشر، سازمانهای مدافع محیط زیست، کارفرمایان و کلیساها همگی از رای موافق

حمایت می کردند. این در حالی بود که اکثر اعضای آنان رای مخالف دادند. مردم هلند از فرصت بدست آمده سود جسته تا به سیاستهای اتحاد سیاسی در قدرت پشت کنند.

اگر چه "nee" کشور ۱۶ میلیونی هلند به لحاظ تعداد و نه درصد (فرانسه ۵۵ درصد و هلند ۶۱/۶ درصد رای منفی) به قدرت "non" فرانسه با جمعیت نزدیک به ۶۰ میلیون نیست اما بطور کلی هر دو در نمایش فاصله ی عمیقی که بین طبقه کارگر و مزد بگیر و طبقه حاکمه و برتر در جامعه وجود دارد، یکسان هستند. مردم دو کشور، این فاصله را در زندگی روزانه خود احساس کرده اند و کسی نمی تواند غیر از این را به آنها دیکته کند.

قانون اساسی اتحادیه اروپایی به صورتی طرح ریزی شده است که ائتلاف سیاسی اتحادیه اروپایی را در جهت منافع طبقه برتر به کار گرفته و اروپا را با صدای قوی تری در صحنه جهانی در برابر آمریکا قرار دهد.

رای منفی به قانون اساسی اتحادیه اروپایی، یک پرسش مهم سیاسی را طرح کرده اما مساله را حل نکرده است. سیستم حاکم، چنین شکستی را بدون مبارزه با آن نخواهد پذیرفت. فشار اقتصاد جهانی و افزایش رویارویی با آمریکا، آنان را به سوی یافتن راهی برای تهاجم به طبقه کارگر هدایت می کند.

مانوئل باروسو، رییس کمیسیون اروپایی، بهترین راه حل را در حال حاضر احتیاط و دور اندیشی دانسته و خواهان ایجاد وقفه در روند تصویب قانون اساسی در کشورهای عضو شده است. او می گوید: "واقعا با خطر مواجه هستیم و من آن را می بینم و احساس می کنم."

از ۲۵ کشور بعدی برای اجرای این همه پرسی، نظرسنجیها در لوکزامبورگ، پرتغال، دانمارک، ایرلند و جمهوری چک بیانگر رای منفی بالا بوده است. انگلیس نیز که از اول ماه ژوئیه ریاست اتحادیه اروپایی را به عهده می گیرد، روند تصویب همه پرسی را به تاخیر انداخت.

## جشن فوتبال یا لگد مال کردن

## قوانین جنسیتی

جعفر پویه

بار دیگر بمب شادی در شهرهای ایران منفجر شد و به بهانه پیروزی تیم ملی فوتبال، مردم به خیابانها ریختند و به جشن و پایکوبی پرداختند. در نگاه اول چنین اتفاقی می تواند عادی و ناشی از فوتبال دوستی عده ای تصور شود که امکان وقوع آن در همه جای جهان ممکن است؛ اما با توجه به ماهیت رژیم ایران و اتفاقاتی که روی داده، می توان اینطور گفت که حضور مردم در خیابانها و برگزاری مراسمی از این دست، نوعی دهن کجی به قوانین خشک مذهبی حاکم و اعتراض برای حقوق پامال شده آنهاست.

حضور پرشمار جوانان در خیابانها و بدور افکندن حجاب اجباری از طرف دختران و زنان و شرکت آنان در رقص و پایکوبی همراه با مردان، تحت رژیمی که همه این اعمال را جرم می داند و برای انجام آنها احکام زندان و شلاق صادر می کند، ماهیتی ضد قوانین حاکم پیدا می کند و عمل از یک اتفاق عادی به عملی اعتراضی تبدیل می شود.

رژیم جمهوری اسلامی که از بدو پیدایش حجاب را امری اجباری و با وضع قوانین بسیار سختگیرانه آنرا اجباری کرده است، در مقابل کارناوال شادی برای فوتبال، همه تلاش چندین ساله اش را بر باد رفته می بیند و دختران و پسران با برگزاری رقص و پایکوبی با یکدیگر، اساس قوانین تبعیض آمیز جنسیتی اش را لگد مال می کنند. جدای از این، قانون شکنیها خود از نظر ماهیتی، اعتراض به قوانین حکومتی تلقی می شوند.

جوانان با حمله به مراکز حکومتی و پاره کردن پوسترهای تبلیغاتی کاندیداهای ریاست جمهوری، تنفر خود را از بازی ضد دموکراتیک انتخاب تدارکاتچی رژیم به نمایش گذاشتند. هرچند عوامل رژیم سعی می کنند تا در اخبار و گزارشات خود، برخورد پلیس و نیروی انتظامی با این مراسم را خنثا و بی تفاوت جلوه دهند اما واقعیت این است که در برابر موج خروشان مردم نه تنها پلیس و نیروی انتظامی نمی تواند بازدارنده باشد بلکه، به سرعت به ضد خود تبدیل می شود و می تواند باعث وقوع اتفاقاتی شود که کاملن از کنترل آنان خارج است. بنابراین، نیروهای سرکوبگر رژیم نه از موضع مردم دوستی و یا همراهی با آنها بلکه، از سر استیصال تنها به تماشای مراسم ضد حکومتی پرداختند و جرات مداخله در آن را نیافتند.

برگزاری جشن و پایکوبی به بهانه پیروزی تیم فوتبال، نشان دهنده عمق انزجار مردم از قوانین ضد مردمی حکومت فقها است و تهاجم به مراکز دولتی و نمادهای نمایش انتخابات، تنفر آنان از رژیم مبتنی بر آنها را به نمایش گذاشت.

۲۰ خرداد ۸۴